

راهنمای ثروتمند شدن

بدون آنکه دسته چکهای خود را پاره کنید،
بدهی بد را به بدهی خوب تبدیل کنید!

رابرت کیوساکی و شارون لچر



- سرشناسه : کیوساکی، رابرت تی. ۱۹۴۷ - م.
Kiyosaki, Robert T.
عنوان و نام پدیدآور : راهنمای ثروتمند شدن / رابرت کیوساکی، شارون لجر : مترجم شرکت برج‌ساز جوان.
مشخصات نشر : تهران: ستوس، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری : ۱۱۲ص: مصور، جدول، نمودار.
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۵۱-۲-۵
۲۰۰۰ ریال
پادداشت : عنوان اصلی: Rich dad's guide to becoming rich without cutting up your credit cards, c2003
موضوع : امور مالی شخصی
موضوع : اعتبار مصرف کنندگان
موضوع : بدهیها
موضوع : امنیت مالی
شناسه افزوده : لستر، شارون ال.
شناسه افزوده : Lechter, Sharon L.
شناسه افزوده : شرکت برج‌ساز جوان
رده بندی کنگره : HG ۱۷۹ / ۱۳۹۰ / ۲۹۳
رده بندی دیویی : ۳۳۲ / ۲۲۰۱
شماره کتابشناسی ملی : ۲۳۳۸۸۲۷



راهنمای ثروتمند شدن

مؤلف: رابرت کیوساکی / شارون لجر

مترجم: برج‌ساز جوان

ناشر: ستوس

تلفن: ۶۶۴۸۶۳۲۶ و sms: 200077636399 و www.cetus.ir

توبت چاپ: اول / ۱۳۹۰

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۵۱-۲-۵

قیمت: ۳۰۰۰ تومان

مرکز بخش (مؤسسه گسترش فرهنگ و مطالعات)

آدرس: خیابان ولی‌عصر - بالاتر از پارک ساعی - خیابان ساعی دوم - خیابان اشکانی - پلاک ۳

تلفن و دورنگار: ۸۸۷۹۴۲۱۸ و سایت: www.gbook.ir

فهرست مطالب

پیشگفتار	بهای ثروتمند شدن چیست؟	۵
چه کسی بهایش را می‌پردازد؟		۸
آیا داشتن یک خانه بزرگ به این مفهوم است که شما ثروتمند هستید؟		۸
بهای میلیونر شدن چقدر است؟		۹
فصل ۱	بهای خساساست چیست؟	۱۳
راههای مختلف ثروتمند شدن		۱۵
آیا هر کسی می‌تواند ثروتمند شود؟		۱۶
پول باداشی در ازای پرداخت بهاست		۱۷
بهای خسیس بودن		۱۸
فصل ۲	بهای یک اشتباه چقدر است؟	۱۹
نظرات پدر ثروتمند		۲۲
در مدرسه نمرات خوب و در زندگی گزارش مالی به حساب می‌آیند		۲۷
از اشتباهاتان درس بگیرید		۲۸
فصل ۳	بهای آموزش چیست؟	۳۱
چرا امنیت شغلی یک مشکل نیست		۳۱
فاصله زمانی چیست؟!!!		۳۲
پس به چند نوع آموزشی در عصر اطلاعات نیاز داریم؟		۳۳
آموزش مالی پایه		۳۷
در گزارش مالی شما چه چیزی اهمیت دارد؟		۳۸
سه نوع درآمد		۳۸
چه کسی به آزمون های شما نمره می‌دهد؟		۴۳
ستون درآمد امروز		۴۶
درآمد وابسته به شغل		۴۶
توصیف یک بازنده		۴۷
چقدر توانایی باخت دارید؟		۵۱
فصل ۴	بهای پاره کردن دسته چک چیست؟	۵۳
دیو و دلبر		۵۴
ثروتمندان، بیشتر از فقرا بدهی دارند		۵۵
از بدهی خوب به بدهی بد		۵۷

۵۹.....	مهار قدرت بدهی.....
۶۰.....	یک اتومبیل دست دوم عالی.....
۶۱.....	اگر می‌خواهید پولدارتر شوید، یک اتومبیل صفر بخرید.....
۶۲.....	بهترین چیزها در زندگی رایگان هستند.....
۶۳.....	اهمیت استاندارد زندگی.....
۶۴.....	درس‌هایی که فرا گرفتیم.....
۶۶.....	شما واقعاً برای چه کسی کار می‌کنید؟.....
۶۹.....	از کسانی که کنترل را بدست گرفته‌اند یک نصیحت بشنوید.....
۷۴.....	یک ایده گرانقیمت.....
۷۷.....	پرداخت بها برای تحصیلات.....
۸۱.....	فصل ۵ واقعاً چقدر بدهی دارید؟.....
۸۲.....	برنامه جریان نقدینگی اضطراری پدرتروتمند.....
۸۴.....	کام بدهی چیست؟.....
۸۴.....	کنترل جریان نقدینگی خود را بدست بگیرید.....
۸۷.....	لازم است شما کنترل عادات خرج کردن خود را در دست بگیرید.....
۸۸.....	بدهی تضمین شده برابر بدهی تضمین نشده.....
۸۹.....	بسیار خوب، بیایید بر رهایی از بدهی بد متمرکز شویم.....
۹۰.....	اقدامات اضطراری.....
۹۱.....	فصل ۶ بهای تغییر چیست؟.....
۹۲.....	قانون دیگر نیوتن.....
۹۳.....	بیشتر از شغل‌تان تغییر کنید.....
۹۵.....	برای اینکه شانس بیشتری برای میلیونر شدن داشته باشید، فقط ریش‌تان را تغییر دهید.....
۹۶.....	راهنمای نروتمند شدن.....
۹۸.....	قدرت تصورات.....
۱۰۰.....	آنچه در جنگ به درد می‌خورد شاید در صلح به درد نخورد.....
۱۰۲.....	زندگی در حال تغییر است.....
۱۰۳.....	قدرت روح شما.....
۱۰۶.....	ما همه توانایی‌ها و ضعف‌هایی داریم.....
۱۰۹.....	بهای اصلاح کارنامه مالی شما چیست؟.....
۱۱۱.....	یک تفکر نهایی.....

پیشگفتار

بهای ثروتمند شدن چیست؟

سوال واقعاً این است:

چه کسی هست که نخواهد میلیونر شود؟

اخیراً، محبوب‌ترین شوی تلویزیونی آمریکا "چه کسی می‌خواهد میلیونر شود؟" نام داشت. این برنامه، کسب یک موفقیت مالی یک شبه برای آمریکائی‌ها و مهمان‌های روی خط کشورهای مختلف سراسر جهان بود. البته همه کاری که باید انجام می‌دادید، پاسخ به یک سری سوالات پیش پا افتاده بود، و با هر پاسخ صحیح، پول نقد بیشتری بدست می‌آوردید (همین طور تا سقف یک میلیون دلار بالا می‌رفتید!)

سوال "چه کسی می‌خواهد میلیونر شود؟" همه جا کلام مشهوری شده بود. با تمرکز زیاد بر برنامه‌های تلویزیونی راجع به پول، ثروتمند شدن، میلیونرهای بازار سهام، و جوایز عظیم قرعه‌کشی‌ها، به این سوال می‌رسیم که: "چه کسی هست که نخواهد یک میلیونر شود؟"

و بله، امکان دارد که در یک مسابقه تلویزیونی یک میلیون دلار برنده شوید. همچنین امکان دارد با برنده شدن در قرعه‌کشی میلیون‌ها دلار بدست آورید. و می‌شود با سرمایه‌گذاری در مزایده‌ای یک میلیونر شوید. بعد می‌توانید برای ادامه زندگیتان ثروتمند بازنشسته شوید. در واقع امروزه بیشتر از هر زمان دیگری در طول تاریخ، راه برای ثروتمند شدن وجود دارد. شاید به همین دلیل است که چنین جنون بین‌المللی برای تفکر ثروتمند شدن وجود دارد - و هرچه سریعتر بهتر.

اخيراً در تلویزیون درباره کتاب "پدر ثروتمند پدر فقیر" صحبت می‌کردم. مصاحبه‌گر پرسید: "خودمونیم. چرا حقیقت روبه ما نمی‌گید؟ تو کتابت رو فقط به این خاطر نوشتی که از این جنون سریع ثروتمند شدن که کل کشور رو در بر گرفته سود ببری؟"

سوال او واقعاً مرا شگفت زده کرد و من تقریباً رشته کلام از دستم خارج شد. بالاخره، بعد از اینکه افکارم را جمع و جور کردم، جواب دادم: "می‌دانید، من هرگز چنین دیدی نسبت به آن نداشتم. من می‌توانم بفهمم که شما چرا فکر می‌کنید که من کتاب را فقط به آن دلیل نوشته‌ام. کاش می‌توانستم بگویم که آنقدر باهوشم. آنقدر باهوش که کتابم را فقط برای این برهه از زمان اختصاص دهم، اما می‌ترسم که آنقدر باهوش نباشم."

من این کتاب را نوشتم به این خاطر که می‌خواستم داستان درسهایی درباره پول را که از دو پدرم یاد گرفتم، تعریف کنم."

وقتی در سال ۱۹۹۷ کتاب را نوشتم، به هر کتابفروشی و توزیع‌کننده کتاب که مراجعه می‌کردیم، آن را رد می‌کردند. از این بابت که در سال ۱۹۹۷، برنامه چه کسی می‌خواهد میلیونر شود، هنوز تلویزیونی نبود. مکشی کردم و گفتم: "در واقع کتاب من پیامی دقیقاً مخالف پیام این برنامه‌های تلویزیونی، میلیونرهای بازار

سهام، و قرعه‌کشی‌ها ارائه می‌دهد." دوباره مکثی کردم و برای لحظه‌ای فکر کردم، و بعد ادامه دادم: "امروز واقعاً یک جنون درباره سریع ثروتمند شدن وجود دارد و با اینکه کتاب من درباره ثروتمند شدن است، درباره سریع ثروتمند شدن نیست." گزارشگر سری تکان داد و لبخند تردید آمیزی زد و گفت: "پس اگر تو بخشی از این جنون سریع ثروتمند شدن نیستی، چه هستی؟ به آرامی ثروتمند شدن؟"

احساس کردم طعنه می‌زند و این کار او مرا به چالش کشید. من در مقابل میلیون‌ها بیننده مجبور بودم خونسردی خود را حفظ کنم. بنابراین در پاسخ به حرف نیش‌دار او خنده ملایمی کردم و گفتم: "نه، کتاب من درباره سریع ثروتمند شدن یا آرام ثروتمند شدن نیست." بعد لبخندی زدم و منتظر ماندم تا او سوال بعدی را از من بپرسد. سکوت مرگباری بود اما تا آنجایی که امکان داشت خود را آرام نگه داشتیم، و منتظر ماندم تا او حرکت بعدی را انجام دهد.

او لبخندی زد و پرسید: "پس کتاب تو درباره چیست؟"

من با نیشخندی جواب دادم: "درباره بهای ثروتمند شدن است."

جواب داد: "بها؟ منظور از بها چیست؟"

در حالیکه داشت این سوال را می‌پرسید، تهیه کننده به او علامت داد که وقت تمام شده. سپس او به من فشار آورد که عجله کنم و پاسخ را بگویم و من مصاحبه را با این حرف به پایان رساندم: "همه می‌خواهند ثروتمند شوند. اما مشکل این است که فقط تعداد معدودی از افراد حاضرند بهایش را بپردازند"

مصاحبه تلویزیونی تمام شد. میزبان از من تشکر کرد و پیام بازرگانی پخش شد. مشکل این بود که من هرگز پاسخ ندادم که فکر می‌کنم بهای میلیونر شدن چیست؟ این کتاب به سوالی که در آن مصاحبه پاسخ داده نشد، پاسخ می‌دهد.

چه کسی بهایش را می‌پردازد؟

دپارتمان سلامت، آموزش و رفاه آمریکا، آمار افراد بین ۲۰ تا ۶۵ ساله را گرفت؛ یافته‌ها از این قرار بود:

از هر ۱۰۰ نفر در سن ۶۰ سالگی:

۱ نفر ممتول

۴ نفر مرفه

۵ نفر از روی ناچاری هنوز در حال کار

۵۴ نفر تحت حمایت دولت یا خانواده

۳۶ نفر فوت شده بودند.

به علاوه، ۳۵ درصد از آن ممتولین، و درصد زیادی از مرفهین، ثرویشان را به ارث برده‌اند. توجه نمایید که مجله فوربس ثروتمندان را به عنوان افرادی تعریف می‌کند که سالانه درآمدی بیش از یک میلیون دلار دارند.

با رونق اقتصادی طی ۲۰ سال آخر قرن بیستم، به تعدد ممتولین و مرفهین افزوده شد. با این حال، این سوال باقی ماند که آن ۱ درصد برتر که ثروتمند هستند، چه کاری انجام داده‌اند که دیگران انجام ندادند؟ تفاوت بهایی که آن ۱ درصد پرداخته‌اند چه بوده که دیگران نپرداختند؟

آیا داشتن یک خانه بزرگ به این مفهوم است که شما ثروتمند هستید؟

وقتی بچه بودم، پدرم ثروتمند مرا سوار اتومبیلش کرد و از جلوی خانه یکی از همکلاسی‌هایم که در محله بسیار ثروتمندی قرار داشت عبور کرد. از پدر ثروتمند پرسیدم که آیا پدر این همکلاسیم ثروتمند است. پدر خنده‌ای کرد و جواب داد: "یک شغل پردرآمد، یک خانه بزرگ، اتومبیل‌های زیبا، و مسافرت‌های پرخرج به این معنی نیست که تو ثروتمند هستی. در واقع می‌تواند عکس این مفهوم را داشته باشد.

یک شیوه زندگی پرخرج به این معنی نیست که تو زرنگ یا تحصیلکرده هستی. می‌تواند دقیقاً به معنی عکس این باشد."

اکثر ما آنقدر زرنگ هستیم که بفهمیم منظور پدرثروتمند از آن جملات چیست. با این حال، فکر می‌کنم یکی از دلایل اینکه بسیاری از مردم در قرعه‌کشی شرکت می‌کنند این است که آنها هم می‌خواهند یک خانه بزرگ زیبا، اتومبیل‌های گرانقیمت، و دیگر بازیچه‌هایی که پول می‌تواند بخرد، داشته باشند. در حالیکه بدست آوردن میلیون‌ها دلار با برنده شدن در قرعه‌کشی، در عالم واقعیت امکان دارد، اما احتمالش خیلی کم است. درست همان‌طور که داشتن یک خانه بزرگ، لزوماً به معنی ثروتمند بودن شما نیست، نشستن پای تلویزیون و تماشای یک مسابقه زنده قرعه‌کشی بهایی نیست که آن ۱ درصد برتر برای ثروتمند شدن پرداخته‌اند.

بهای میلیونر شدن چقدر است؟

راه‌های مختلف بسیاری برای ثروتمند شدن وجود دارد. برنده شدن در قرعه‌کشی یا یک مسابقه تلویزیونی فقط ۲ نمونه از راه‌های شانس هستند. شما می‌توانی همچنین با کم خرج کردن، کلاهبرداری، یا حتی دزدی ثروتمند شوی، اما همان‌طور که می‌دانید حفظ و توسعه پول از بدست آوردن پول مهم‌تر است و صد البته کسی که مهارت سرمایه‌گذاری ندارد همه‌ی ثروت خود را در آنی می‌بازد. شما همچنین می‌توانید بوسیله ازدواج با یک میلیونر ثروتمند شوید. افراد بسیاری فعالانه برای ازدواج به دنبال میلیونرها می‌گردند.

البته برحذر باشید؛ هریک از روش‌های بدست آوردن ثروت عظیم، بهایی دارد و بهایش همیشه با پول سنجیده نمی‌شود.

بهای نشستن در خانه و تماشای مسابقه تلویزیونی و قرعه‌کشی این است که اکثریت وسیعی از تماشاچیان هرگز ثروتمند نخواهند شد، و این قیمت بسیار

گزافی است که می‌پردازند. راه‌های بهتری برای ثروتمند شدن وجود دارد که احتمال موفقیتش بیشتر است اما اکثر مردم حاضر نیستند بهایش را بپردازند و در واقع راه‌هایی برای ثروتمند شدن وجود دارد که احتمال موفقیت آنها به نفع شخص است، یعنی تقریباً ضمانت می‌کنند که یک شخص ثروتمند خواهد شد، اما دوباره مشکل این است که اکثر مردم حاضر نیستند بهایش را بپردازند و طبق آمار دپارتمای سلامت، آموزش و رفاه، به همین دلیل است که در ثروتمندترین کشور دنیا، از هر ۱۰۰ نفر تنها یک نفر واقعاً ثروتمند می‌شود. آنها می‌خواهند میلیونر باشند، اما حاضر نیستند بهایش را بپردازند.

حالا منظور پدر ثروتمندم از بها چه بود؟ استفاده از یک مثال متفاوت برای توضیح مفهوم بها این ایده را بهتر را شرح می‌دهد. چه می‌شد اگر می‌گفتم: "کاش بدنی مثل بدن آرنولد داشتم". اولین چیزی که اکثر شما به من می‌گفتید این بود: "کفش‌های کتانی ات واپوش، روزی ۸ کیلومتر بدو، ۳ ساعت در روز به باشگاه برو، و از خوردن بیش از حد پیتزا دست بکش." بعد من می‌گفتم: "آیا راه دیگری برای داشتن بدنی مثل آرنولد وجود دارد؟" منظور من از بها این است. میلیون‌ها نفر از مردم می‌خواهند بدن فوق‌العاده‌ای داشته باشند اما افراد معدودی حاضرند بهایش را بپردازند. و به همین دلیل است که پیام‌های تبلیغاتی که این وعده‌ها را می‌دهند پول بسیاری زیادی بدست می‌آورند؛

"شما وزن کم می‌کنید و باز هم می‌توانید هر چه می‌خواهید

بخورید. فقط این قرص جادویی کوچک را بخورید."

یا

"شما می‌توانید بدون تمرین بدنی یا رژیم غذایی شبیه این مدل زیبا شوید."

خیابان مدیسون^۱ فقط یک رقابت آگهی تبلیغاتی پیشنهاد می‌کند که صرف نظر از اینکه آنچه می‌خواهید پول است، یا یک بدن زیبا، یا روابط عالی، یا شادی، یا هر چیز دیگری که خواستارید، یک راه سریع و آسان برای دریافت آنچه می‌خواهید به شما وعده می‌دهد. اما اکثر محصولات آگهی‌ها تبلیغ می‌کنند، به درد نمی‌خورد، نه بخاطر محصول بلکه به این خاطر که مردمی که آنها را می‌خرند حاضر نیستند کار را انجام دهند (یا بهایش را بپردازند).

من اغلب به سرمایه‌گذاری ۳۸۵ دلاری ملکم اشاره می‌کنم که سال‌ها پیش از یک برنامه تبلیغاتی تلویزیونی آن را خریدم. یاد می‌آید که در خانه نشسته بودم و کانال‌ها را عوض می‌کردم تا اینکه این برنامه تبلیغاتی را دیدم. این آگهی مرا تشویق کرد که به یک سمینار رایگان در هتلی در ساحل وایکی بروم. من تماس گرفتم تا برای سمینار رایگان جا رزرو کنم؛ در این سمینار شرکت کردم، و بعد برای سمینار آخر هفته که ۳۸۵ دلار هزینه‌اش بود ثبت نام کردم. من در آن زمان هنوز در نیروی دریایی بودم، بنابراین یکی از همکاران خلبانم را دعوت کردم تا با من به این سمینار آخر هفته بیاید. او از سمینار خوشش نیامد و گفت که این کاملاً یک کلاهبرداری است و هدر دادن وقت است، و درخواست کرد که پولش را پس بدهند. بعداً به من گفت که "من می‌دانستم که این یک کلاهبرداری است. نباید به حرف تو گوش می‌دادم."

تجربه من کاملاً متفاوت بود. من سمینار را ترک کردم، نوارها و کتاب‌هایش را گرفتم، آنها را خواندم و گوش دادم، و از اطلاعاتی که از آن سمینار یاد گرفتم، میلیون‌ها دلار کسب کردم. در حالیکه یکی از دوستانم سال‌ها بعد به من گفت: "مشکل دوست این بود که بیش از اندازه زرنک بود و هیچ چیز از این دوره آموزشی بدست نیاورد. تو آنقدر مشتاق ثروتمند شدن بودی که سخنان سخنران را باور کنی و بیرون بروی و هر کاری که او به تو آموخته بود انجام بدهی."

^۱ مرکز شرکت‌های تبلیغاتی و آگهی‌های آمریکا

امروزه، من کماکان به مردم توصیه می‌کنم که در سمینارها ثبت نام کنند تا اصول راه اندازی یک کسب و کار، تنظیم قرارداد، سرمایه‌گذاری در سهام، یا هر چیز دیگر را بیاموزند. من اغلب از مخاطبین می‌شنوم که می‌گویند: "اما اگر دوره آموزشی خوب نباشد چه؟ اگر سرم را کلاه بگذارند چه؟ اگر هیچ چیز یاد نگیرم چه؟ به علاوه، من نمی‌خواهم دستشویی تعمیر کنم یا نصف شب تماس‌های تلفنی از طرف مستاجرین داشته باشم." وقتی چنین حرف‌هایی را می‌شنوم، معمولاً پاسخ می‌دهم: "پس بهترین کار این است که در سمینار شرکت نکنید. آن سمینار قطعاً یک کلاهبرداری است."

طبق تجربه من، بسیاری از افراد بدنبال پاسخ‌هایی می‌گردند که زندگیشان را به طریقی بهتر سازد. مشکل این است که وقتی آنها پاسخ را می‌یابند، آن را دوست ندارند ... درست همان‌طور که من این پاسخ را دوست نداشتم که: "از خوردن پیتزا دست بکش و شروع کن روزی ۳ ساعت دمبل بزنی". به عبارت دیگر، من هیچ شانس برای ساختن اندامی مثل آرنولد را، تا زمانیکه پاسخ دریافتی را دوست نداشته باشم، ندارم. و به عقیده من، ربطی به پاسخ ندارد؛ این بهایی که با آن پاسخ همراه شده چیزی است که مردم واقعاً آن را دوست ندارند. همان‌طور که پدر ثروتمند می‌گفت: "اکثر مردم می‌خواهند ثروتمند شوند. آنها فقط نمی‌خوانند بهایش را بپردازند"

حال در این کتاب درباره بهای ثروتمند شدن بدون کم خرج کردن، کارهای غیراخلاقی و کلاهبرداری صحبت می‌کنیم. شما یاد خواهید گرفت که چگونه در حالیکه از شیوه زندگی بسیار ثروتمندان لذت می‌برید، ثروتمند شوید؛ اما بهایی دارد ... و همان‌طور که پدر ثروتمندم اغلب به من می‌گفت: "بهای یک چیز همیشه با پول سنجیده نمی‌شود."

من پاسخ‌ها و بهایی که پرداخته‌ام با شما در میان می‌گذارم. اگر پاسخ‌های من یا پدر ثروتمند را دوست ندارید، به یاد آورید که برای ثروتمند شدن، بیش از یک راه وجود دارد ... همیشه یک قرعه‌کشی یا مسابقه تلویزیونی جدید وجود دارد که این سوال را می‌پرسد: "چه کسی می‌خواهد میلیونر شود؟"